

بسم الله الرحمن الرحيم!

آیا سنت «فعلی متواتر» و سنت «قولی متواتر» هردو یک چیزاند و یا با هم تفاوت دارند؟

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ!

در کتاب شحصیه اسلامی، جزء سوم، صفحه 82 چنین آمده است:

1- حدیث متواتر آن است که به طور قطعی از نبی کریم صلی الله علیه وسلم ثابت شده، افاده علم یقین را می دهد و در تمامی موارد واجب العمل می باشد؛ چه سنت قولی، فعلی و یا هم سکوتی باشد. از جمله احادیث قولی متواتر این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد:

«مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»

ترجمه: شخصی عمداً به من دروغی را نسبت دهد، باید جای خویش را از آتش انتخاب نماید.

از جمله سنت فعلی متواتر، نمازهای پنج گانه و تعداد رکعات نمازها و همچنین آن چه که درباره کیفیت نماز، روزه و حج وارد شده است، می باشد.

سوالم پیرامون «سنت فعلی متواتر» است که چه تعریف دارد؟ آیا عبارت از تواتر اخبار عملی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم انجامش داده است؟ و یا تواتر اعمالی است که مردم از زمان او صلی الله علیه وسلم تا امروز طبقه بعد از طبقه انجام داده اند؟

بعضی محققین آن چه را که «تواتر عمل» یا «تواتر توارث» می نامند را بخشی از اقسام تواتر شمرده اند. چنان که شیخ شبیر احمد عثمانی در مقدمه کتاب خود «فتح الملهم» صفحه 18 نگاشته است: "و قسم سوم: تواتر عمل و تواتر توارث می باشد، آن عبارت از عمل کرد تعدادی زیادی از عاملین در هر قرن است، از عهد صاحب شریعت تا زمان ما، به گونه ای که از دید عرف و عادت توافق ایشان بر دروغ یا غلط غیرممکن به نظر برسد؛ به طور مثال: مسواک در وضوء که سنت است و اعتقاد سنت بودنش فرض است؛ چون به تواتر عملی ثابت بوده و انکار از آن کفر است... و نمازهای پنج گانه نیز از همین قبیل است؛ زیرا بدون اختلاف مومنی یا کافری و بدون شک احدی، رسول الله این نماز را به اصحاب در اوقات معینۀ روز و شب اداء کرده است و آنانی که از دین او صلی الله علیه وسلم پیروی نمودند، در هر جایی که بودند به همین منوال هر روز ادا نمودند، تا امروز کسی شک ندارد که ساکنین سند چنان می خوانند؛ چنان چه که ساکنین اندلس می خوانند و طوری که یمنی ها می خوانند مردم ارمنستان نیز می خوانند."

پس آیا تواتر عمل و تواتر توارث و آن چه که «سنت فعلیه متواتره» می گوئیم، نام یک چیز است؟ یا دو چیز جدااند؟ پس اگر دو چیز متفاوت بوده باشند؛ در آن صورت آیا آن چه را که تواتر عمل می نامند، بپذیریم یا رد کنیم؟

بعض محققین اصحاب حدیث؛ مانند: ابن حجر، نووی، سیوطی و غیره حدیث قابل قبول را به «صحیح لذاته و صحیح لغیره» و «حسن لذاته و حسن لغیره» تقسیم نموده‌اند. در حالی که در کتاب شخصیه اسلامی، جزء اول و سوم وارد شده است که ما به «صحیح» و «حسن» اکتفا نمودیم. آیا این اختلاف تنها در اصطلاح بوده؛ ولی در معنی و مسمی اتفاق است و یا در معنی نیز اختلاف وجود دارد؟ الله به شما برکت دهد!

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

سنت متواتره؛ چه قول باشد یا فعل یا تقریر قول و یا تقریر فعل، تنها در صورتی متواتر محسوب می‌شود که به تواتر از رسول الله صلی الله علیه و سلم نقل شده باشد.

اما قول به این‌که: "گویا اعمال در آن صورت نیز به سنت فعلی متواتر تبدیل می‌شود که جمعی در دوره رسول الله و جمعی در دوره تابعین و تبع تابعین به آن اقدام کرده باشند؛ اگرچه از عمل و یا تقریر رسول الله به شکل متواتر ثابت هم نباشد" قول نادرستی است؛ بناءً متواتر همان است که به تواتر ثابت گردد که رسول الله آن را انجام داده است و یا انجامش را مورد تأیید قرار داده است.

آن‌چه که اصحاب این نظریه می‌گویند، از جمله امور فرضی است. دلیل آن‌ها این است که مثال‌های که آورده‌اند؛ از قبیل: نمازهای پنج‌گانه، نمازهای پنج‌گانه از رسول الله صلی الله علیه و سلم به تواتر ثابت است و درباره مسواک از رسول الله صلی الله علیه و سلم احادیث صحیح وارد شده است، حکم به تواتر این احادیث متکی به سند آن می‌باشد؛ پس اگر به نقل تواتر ثابت شد، متواتر است و اگر در سند به شکل آحاد نقل شده باشد، دیگر متواتر شده نمی‌تواند؛ یعنی در روایت، سند آن از رسول الله مدار اعتبار است.

پس این قول ایشان که نمازهای پنج‌گانه در ایالت سند، اندلس، یمن و ارمنستان بدون کدام اختلاف، پنج وقت خوانده می‌شود؛ اگر از رسول الله به تواتر ثابت نمی‌شد، به هیچ صورت نمازهای متذکره را متواتر نمی‌گرداند. چیزی که این نمازها را متواتر گردانیده است، ثبوت نقل آن از رسول الله به شکل تواتر است.

خلاصه این‌که معیار اعتماد، تواتر سند است؛ پس اگر نقل متواتر بود، اعتماد کرده می‌شود؛ اگر نقل متواتر نبود، سندش دیده می‌شود و نظر به آن شناخته می‌شود. طوری که گفتم، سخن آن‌ها یک ادعای فرضی است؛ چون مثال واحدی را آورده نمی‌توانند که تنها از عمل مسلمانان ثابت باشد و از عمل رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت نباشد.

اما صحیح لذاته، صحیح لغیره، حسن لذاته و حسن لغیره... مسأله‌ای قابل تحقیق است، موضوع را به اختصار و بدون تعرض به برخی جوانب اختلاف، چنین توضیح خواهم داد.

حدیث صحیح عبارت از حدیثی است که راوی عادل و دارای ضبط تام از رسول الله نقل نموده باشد و سندش متصل بوده و معلل و شاذ نباشد. این را حدیث صحیح یا حدیث صحیح لذاته گویند. مراتب حدیث صحیح با تفاوت اوصافش فرق می‌کند؛ از همین جاست که صحیح البخاری مقدم شناخته شده و باز مسلم و سپس شروط این دو کتاب.

بنابراین؛ اگر تمامی شروط حدیث صحیح موجود باشد؛ ولی ضبط پنهان مانده باشد، آن را حسن لذاته گفته می‌شود و اگر طرق صحت حدیث حسن زیاد بوده باشد، قوت صحت حدیث حسن زیاد می‌شود که در آن صورت صحیح لغیره گفته می‌شود. اگر سند، شروط صحیح و حسن را تکمیل نکرد آن را حدیث ضعیف می‌گویند. هنگامی که با روایات دیگری از لحاظ نفس معنی ضعیف می‌باشند تقویت شد؛ در آن صورت حسن لغیره است.

بناءً نزد ضعیف، ضعیف است با تقویه ضعیف دیگر و علاوه نمودن ضعیف دیگر حدیث ضعیف حسن نمی‌گردد؛ بلکه هم‌چنان ضعیف باقی می‌ماند. این صنف «حسن لغیره» در قرون اولی در علم حدیث مشهور نبود، نخستین کسی که از این اصطلاح سخن گفت، امام بیهقی رحمه الله بود که در چندین جای کتب خود یاد کرده است. طوری که برخی مصادر را نقل نمودم. درباره «حسن لغیره»؛ یعنی: تقویه ضعیف با ضعیف از حیث عمل، اختلاف است، تعدادی محدثین قبول دارند و تعدادی دیگری رد نموده و ضعیف را ضعیف شمرده‌اند که همین راجح است؛ طوری که اکنون گفتیم. این همان تقسیم احادیث است که ما در کتب خود نگاشتیم؛ چون حدیثی را که «حسن لغیره» می‌نامند، عبارت از حدیثی است که از لحاظ سند ضعیف است. بناءً «حسن لغیره» نوعی جدیدی نمی‌باشد.

برادران عطاء بن خلیل ابورشته

26 شوال 1436 هـ.ق.

11 آگست 2015 م.

مترجم: محمد مسلم